



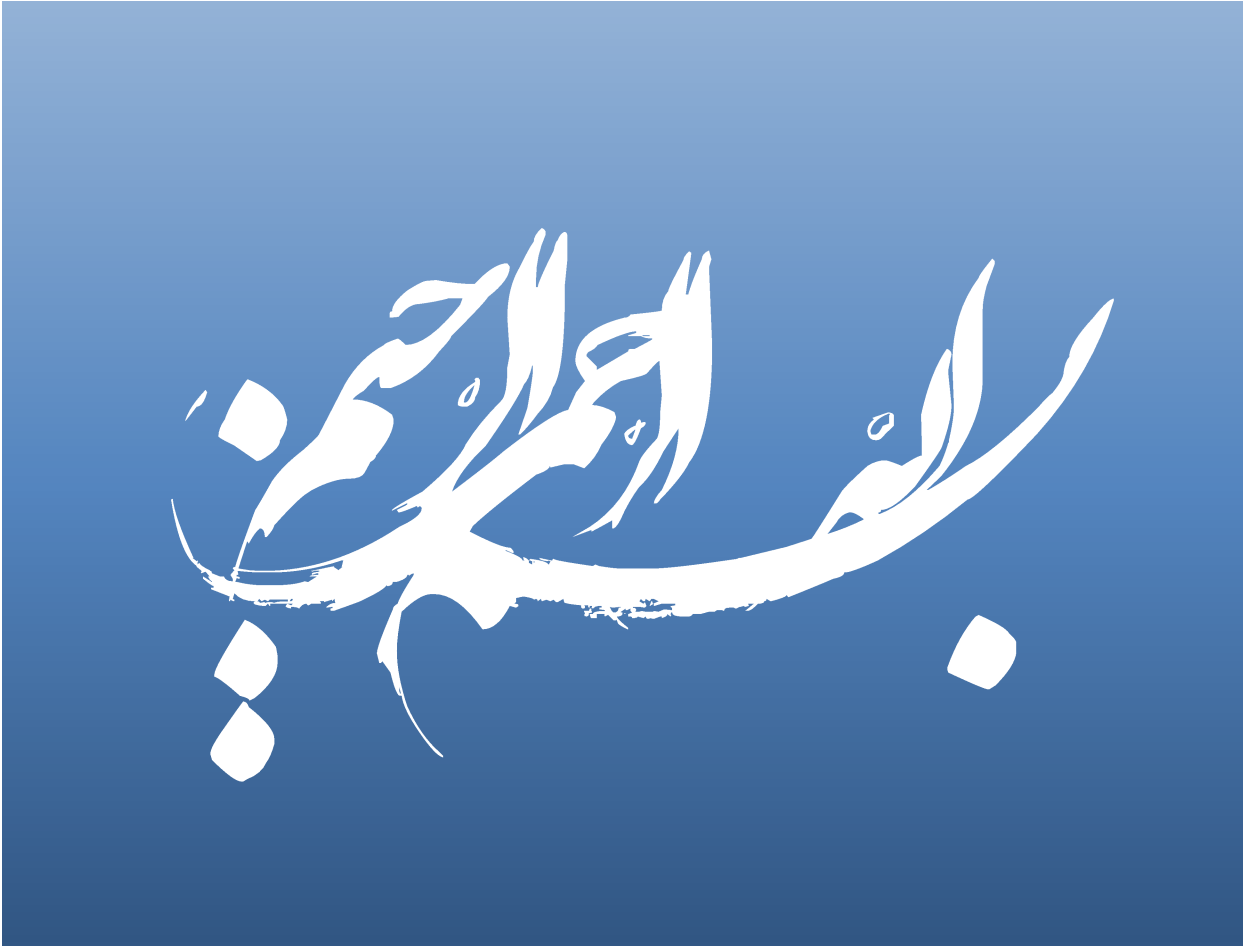
انتقال دانش

مبانی اقتصاد سیاسی شهری

شماره: ۲۷۴-۶/م/پ | تاریخ: ۱۴۰۳/۰۷/۲۳

متن (PDF) از طریق سایت مرکز به نشانی rctbz.tabriz.ir قابل دریافت است.

آدرس: بزرگراه پاسداران، ورودی اول فرشته جنوبی به سمت بلوار دوکمال، ساختمان شورا، طبقه اول





انتقال دانش:

مبانی اقتصاد سیاسی شهری

شماره: ۲۷۴-۶/م/پ | تاریخ: ۱۴۰۳/۰۷/۲۳

حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به مرکز پژوهش‌های شورای شهر تبریز است.
متن (PDF) از طریق سایت مرکز به نشانی rctbz.tabriz.ir قابل دریافت است.
آدرس: بزرگراه پاسداران، ورودی اول فرشته جنوبی به سمت بلوار دوکمال، ساختمان شورا، طبقه اول



مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی شهر تبریز

عنوان اصلی: مبانی اقتصاد سیاسی شهری

پدیدآور: حسین احمدزاده گلی

ناظر: معاونت پژوهشی مرکز

نوع و شماره: انتقال دانش (۵-۴-۱۹۰)

شماره: ۲۷۴-۶/م/پ | تاریخ: ۱۴۰۳/۰۷/۲۳

متن (PDF) از طریق سایت مرکز قابل دریافت است

این متن در پرتال جامع مطالعات شهری ایران بارگذاری شده است

دریافت نظر و پیشنهاد: rctc@tabriz.ir | ۰۴۱-۲۱۰۴۰۹۰۰

آدرس: بزرگراه پاسداران، ورودی اول فرشته جنوبی به سمت بلوار دوکمال، ساختمان شورا، طبقه اول

مقدمه

اقتصاد سیاسی شهری به عنوان یکی از شاخه‌های مهم مطالعات شهری، به بررسی تعاملات پیچیده بین قدرت، سیاست و اقتصاد در فضاهای شهری می‌پردازد. شهرها به عنوان نقاط کانونی تجمع جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی، همواره نقش مهمی در تحولات اقتصادی و اجتماعی داشته‌اند. در این میان، چگونگی مدیریت منابع اقتصادی، توزیع قدرت سیاسی و تأثیر سیاست‌های کلان بر توسعه و بازتوزیع امکانات در فضاهای شهری، از جمله موضوعات کلیدی در اقتصاد سیاسی شهر محسوب می‌شوند. از منظر تاریخی، شکل‌گیری و توسعه شهرها همواره در ارتباط با اقتصاد و سیاست بوده است. از زمان انقلاب صنعتی و مهاجرت‌های گسترده به شهرها تا ظهور سیاست‌های نئولیبرال در اواخر قرن بیستم، سیاست‌های اقتصادی و تغییرات در ساختارهای حکمرانی شهری تأثیرات متعددی بر پویایی و ساختار شهرها داشته‌اند. به عنوان مثال، در دوره صنعتی شدن شهرها، رشد کارخانه‌ها و زیرساخت‌های اقتصادی شهری باعث تغییرات گسترده‌ای در نحوه سکونت و توزیع منابع شد. این تغییرات به تدریج به ظهور نابرابری‌های فضایی و اقتصادی درون شهرها منجر شد.

در اقتصاد سیاسی شهری، موضوعاتی همچون مالکیت زمین، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، دسترسی به خدمات عمومی، و چگونگی تخصیص منابع به گروه‌های مختلف جمعیتی از اهمیت بالایی برخوردارند. سیاست‌های شهری نه تنها بر ساختار اقتصادی شهرها تأثیر می‌گذارد، بلکه نقش مهمی در شکل‌گیری فضاهای اجتماعی و فرهنگی نیز ایفا می‌کند. به عنوان مثال، تصمیمات مرتبط با تخصیص زمین به کاربری‌های خاص (مانند مسکونی، تجاری یا صنعتی) می‌تواند به تغییرات گسترده‌ای در ساختار اجتماعی شهر و نیز نحوه توزیع ثروت و فرصت‌ها منجر شود. با توجه به اینکه شهرها مراکز اصلی رشد اقتصادی و اجتماعی محسوب می‌شوند، مدیریت شهری و سیاست‌های اقتصادی مرتبط با آن‌ها باید به گونه‌ای باشند که همزمان با توسعه اقتصادی، عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه منابع را نیز تضمین کنند. این امر نیازمند نگاهی چندجانبه به مسائل شهری و درک عمیق از تعاملات پیچیده بین سیاست و اقتصاد در شهرها است. در ایران، با توجه به شرایط خاص اقتصادی و جمعیتی، نیاز به سیاست‌های شهری که بتوانند به چالش‌های فعلی مانند بیکاری، نابرابری فضایی و مشکلات زیرساختی پاسخ دهند، بیش از پیش احساس می‌شود. در دهه‌های اخیر، تحولات جهانی مانند جهانی‌سازی، رشد سرمایه‌داری نئولیبرال و افزایش نابرابری‌های اقتصادی، تأثیرات عمیقی بر ساختارهای شهری و نحوه مدیریت اقتصادی آن‌ها گذاشته است. در بسیاری از شهرهای جهان، خصوصی‌سازی خدمات عمومی، کاهش مداخلات دولت در اقتصاد و تقویت نقش بازار آزاد، منجر به بازتوزیع نابرابر منابع شده است. این تحولات نه تنها در سطح جهانی بلکه در کشورهای در حال توسعه و از جمله در ایران نیز مشاهده می‌شود. به طور خاص، شهرهای بزرگ ایران همچون تهران، مشهد، اصفهان، تبریز و... به عنوان مراکز اصلی فعالیت‌های اقتصادی و جمعیتی، با چالش‌های جدی در زمینه توزیع منابع، خدمات عمومی و مدیریت فضایی مواجه‌اند. در این راستا، این گزارش سعی دارد با طرح مبانی اقتصاد سیاسی شهر به سیاست‌گذاران و مدیران شهری کمک می‌کند تا با درکی بهتر از اقتصاد سیاسی شهر به عنوان یکی از ابزارهای اصلی تحلیل ساختارهای قدرت و اقتصاد در شهرها، تصمیماتی بگیرند که به توسعه پایدار، بهبود کیفیت زندگی شهروندان، و کاهش نابرابری‌ها منجر شود.

ضرورت و اهمیت موضوع

اهمیت اقتصاد سیاسی شهر به دلیل نقش حیاتی آن در تحلیل و فهم روابط پیچیده میان قدرت سیاسی، تصمیمات اقتصادی، و تحولات اجتماعی در فضاهای شهری است. شهرها به عنوان مراکز اصلی تولید ثروت، تمرکز جمعیت و بسترهای اصلی فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی، تحت تأثیر سیاست‌ها و تصمیمات مختلف قرار دارند. بررسی اقتصاد سیاسی شهر به سیاست‌گذاران و مدیران شهری کمک می‌کند تا پیامدهای این تصمیمات را درک کرده و به بهبود وضعیت زندگی شهروندان و توزیع عادلانه منابع بپردازند. در ادامه به دلایل مهم بودن اقتصاد سیاسی شهر پرداخته می‌شود:

۱. تأثیرگذاری بر مدیریت منابع و توسعه شهری

شهرها با منابع محدود مانند زمین، زیرساخت‌ها، خدمات عمومی و سرمایه‌های اجتماعی روبه‌رو هستند. مدیریت بهینه این منابع برای توسعه پایدار و پاسخگویی به نیازهای شهروندان ضروری است. اقتصاد سیاسی شهر کمک می‌کند تا مشخص شود که چه نیروهای سیاسی و اقتصادی بر این مدیریت تأثیرگذار هستند و چگونه می‌توان منابع را به گونه‌ای عادلانه و کارآمد تخصیص داد. بررسی این حوزه به دولت‌های محلی کمک می‌کند تا با تصمیم‌گیری‌های دقیق‌تر و موثرتر، از توزیع نابرابر منابع جلوگیری کنند.

۲. تحلیل نابرابری‌های فضایی و اجتماعی

یکی از چالش‌های اساسی در شهرها، نابرابری در دسترسی به منابع، خدمات و فرصت‌ها است. نواحی مختلف یک شهر ممکن است از نظر اقتصادی و اجتماعی تفاوت‌های عمده‌ای داشته باشند. اقتصاد سیاسی شهر به تحلیل عوامل سیاسی و اقتصادی که منجر به نابرابری‌های فضایی می‌شوند، می‌پردازد و به مدیران کمک می‌کند راه‌حلی برای کاهش این نابرابری‌ها ارائه دهند. این موضوع به‌ویژه در شهرهای بزرگ و پرجمعیت که با مشکلات حاشیه‌نشینی و نابرابری در دسترسی به خدمات مواجه‌اند، اهمیت زیادی دارد.

۳. نقش دولت و نهادهای عمومی

تصمیمات دولت‌های محلی و ملی نقش مهمی در شکل‌دهی به ساختار شهری و توزیع منابع دارند. بررسی اقتصاد سیاسی شهر این امکان را فراهم می‌کند که روابط میان نهادهای دولتی، سیاست‌های شهری و نتایج اقتصادی-اجتماعی این تصمیمات مورد تحلیل قرار گیرد. این تحلیل‌ها به دولت‌ها کمک می‌کند که سیاست‌های عمومی بهتری در حوزه‌هایی مانند مسکن، حمل‌ونقل عمومی و زیرساخت‌ها تدوین کنند و به نحوی عمل کنند که عدالت اجتماعی بهبود یابد.

۴. تأثیر جهانی‌سازی و تغییرات اقتصادی کلان

در دنیای امروز، شهرها تحت تأثیر روندهای جهانی مانند جهانی‌سازی، نئولیبرالیسم و تغییرات اقتصادی کلان قرار دارند. این روندها می‌توانند منجر به تغییرات مهمی در ساختار اقتصادی و اجتماعی شهرها شوند. برای مثال، خصوصی‌سازی خدمات عمومی و کاهش نقش دولت در مدیریت شهری می‌تواند پیامدهایی مانند افزایش هزینه خدمات و کاهش دسترسی افراد کم‌درآمد به خدمات اساسی داشته باشد. اقتصاد سیاسی شهر با بررسی این تحولات، به شهرها کمک می‌کند تا بهتر بتوانند با چالش‌های ناشی از تغییرات جهانی مقابله کنند.

۵. افزایش مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها

درک اقتصاد سیاسی شهر به مردم این امکان را می‌دهد که از نحوه تأثیرگذاری سیاست‌های شهری بر زندگی خود آگاهی

بیشتری پیدا کنند. این آگاهی می‌تواند به افزایش مشارکت شهروندان در فرآیندهای تصمیم‌گیری کمک کند. زمانی که شهروندان بفهمند که چگونه سیاست‌ها و تصمیمات اقتصادی می‌تواند به نابرابری یا فرصت‌های جدید منجر شود، احتمال مشارکت آن‌ها در امور شهری افزایش می‌یابد، که این امر می‌تواند به شفافیت و پاسخگویی بیشتر دولت‌ها منجر شود.

۶. پشتیبانی از سیاست‌گذاری‌های موثرتر و پایدار

اقتصاد سیاسی شهر به سیاست‌گذاران و مدیران شهری دیدگاهی جامع از نحوه عملکرد سیستم‌های سیاسی و اقتصادی در شهرها ارائه می‌دهد. این دیدگاه به آن‌ها کمک می‌کند تا سیاست‌های مؤثرتری در حوزه‌های مختلف شهری همچون مسکن، حمل‌ونقل و اشتغال تدوین کنند. به علاوه، با توجه به نقش کلیدی اقتصاد سیاسی در تحلیل تأثیرات سیاست‌های شهری بر نابرابری‌ها، این حوزه به بهبود عدالت اجتماعی و توسعه پایدار کمک می‌کند.

مفاهیم

الف) اقتصاد سیاسی

اقتصاد سیاسی به مطالعه چگونگی تعامل میان سیاست و اقتصاد در جوامع مختلف و تأثیر این تعامل بر توزیع منابع، ثروت و قدرت در سطح ملی و بین‌المللی می‌پردازد. این شاخه از علوم اجتماعی به بررسی نهادهای سیاسی، قوانین و سیاست‌های اقتصادی می‌پردازد تا روشن کند که چگونه تصمیمات سیاسی بر فرآیندهای اقتصادی اثر می‌گذارند و به تبع آن، این فرآیندها چگونه رفتارها و نتایج سیاسی را شکل می‌دهند. اقتصاد سیاسی از دو بخش عمده تشکیل شده است: اقتصاد که به بررسی نحوه تخصیص منابع کمیاب می‌پردازد و سیاست که به فرآیندهای تصمیم‌گیری در سطح حکومت و نحوه اعمال قدرت و اقتدار در جامعه می‌پردازد. یکی از موضوعات اصلی در اقتصاد سیاسی این است که چه کسی از توزیع منابع اقتصادی سود می‌برد و چه کسی متضرر می‌شود. به عبارتی، اقتصاد سیاسی به بررسی این می‌پردازد که تصمیمات سیاسی و ساختارهای قدرت چگونه توزیع ثروت را تعیین می‌کنند و چه گروه‌ها یا طبقاتی از این تصمیمات بهره‌مند می‌شوند. رویکردهای مختلفی در اقتصاد سیاسی وجود دارد. از جمله این رویکردها، می‌توان به نظریه‌های مارکسیستی، لیبرالیسم و نهادگرایی اشاره کرد. مارکسیست‌ها به تأثیر قدرت‌های اقتصادی، بویژه طبقات اجتماعی، بر سیاست و ساختار قدرت در جامعه تمرکز دارند. لیبرالیسم بر اهمیت بازارهای آزاد و آزادی‌های فردی در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی تأکید می‌کند. نهادگرایان نیز بر نقش نهادها و قوانین در تعیین نتایج اقتصادی و سیاسی تأکید دارند. در نهایت، اقتصاد سیاسی به فهم این مسئله کمک می‌کند که چگونه تغییرات اقتصادی و سیاسی می‌توانند همزمان به نفع یا ضرر گروه‌های مختلف در جامعه عمل کنند و چگونه این فرآیندها به شکل‌دهی ساختارهای قدرت و سیاست‌گذاری منجر می‌شوند.

ب) اقتصاد سیاسی شهر

اقتصاد سیاسی شهری یک چارچوب تحلیلی است که به بررسی چگونگی توزیع قدرت، ثروت و منابع درون یک شهر می‌پردازد. این رویکرد تلاش می‌کند تا روابط متقابل میان سیاست، اقتصاد و جامعه در فضای شهری را بفهمد و تحلیل کند. در این مفهوم، شهرها به عنوان بسترهای اصلی برای تعاملات اقتصادی، سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری‌های اجتماعی در نظر گرفته می‌شوند. از نظر اقتصادی، شهرها مکان‌هایی هستند که منابع اقتصادی (مانند زمین، سرمایه، نیروی کار و زیرساخت‌ها) توزیع و مصرف می‌شوند. این توزیع منابع تحت تأثیر سیاست‌های محلی و ملی، تصمیمات بازیگران قدرتمند (مانند دولت، نهادهای اقتصادی و شرکت‌ها) و نیروهای بازار قرار دارد. از نظر سیاسی، اقتصاد سیاسی شهری به بررسی

نقش دولت و نهادهای عمومی در مدیریت و کنترل منابع شهری می‌پردازد. سیاست‌های عمومی مانند برنامه‌ریزی شهری، تنظیمات مالیاتی، و توزیع خدمات عمومی (آب، برق، بهداشت، حمل‌ونقل) نقش کلیدی در تعیین چگونگی بهره‌برداری از منابع و ارائه امکانات به شهروندان ایفا می‌کنند. اجتماع نیز در این چارچوب نقش اساسی دارد، زیرا گروه‌های مختلف اجتماعی (بر اساس طبقه، قومیت، جنسیت و غیره) به‌طور متفاوتی از منابع شهری بهره‌مند می‌شوند. گروه‌های محروم ممکن است به خدمات عمومی کمتر دسترسی داشته باشند یا در مناطقی با کیفیت پایین‌تر زندگی کنند. اقتصاد سیاسی شهری به این نکته نیز توجه دارد که چگونگی شکل‌گیری و توسعه شهرها نه تنها نتیجه تعاملات اقتصادی، بلکه به شدت متأثر از سیاست‌ها، تضادهای طبقاتی و منافع مختلف اجتماعی است. به عنوان مثال، خصوصی‌سازی فضاهای عمومی یا توسعه‌های کلان‌پروژه‌ها ممکن است باعث افزایش نابرابری‌های اجتماعی یا تغییرات زیست‌محیطی نامطلوب در شهرها شود. در نهایت، اقتصاد سیاسی شهری به بررسی فرآیندهای جهانی‌شدن، نئولیبرالیسم و تأثیرات آن‌ها بر شهرها نیز می‌پردازد. شهرها اغلب به عنوان مرکز فعالیت‌های جهانی اقتصادی دیده می‌شوند، و سیاست‌های نئولیبرالی می‌توانند تأثیر عمیقی بر تغییرات فضایی، اجتماعی و اقتصادی آن‌ها داشته باشند.

عناصر کلیدی در اقتصاد سیاسی شهر

اقتصاد سیاسی شهر به دلیل پیچیدگی‌های ساختاری، دارای ابعاد مختلفی است که برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

ساختارهای حکمرانی و قدرت: سیاست‌های شهری همواره تحت تأثیر نهادهای قدرت سیاسی است. دولت‌های محلی و ملی از طریق قوانین، مقررات و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و فضایی بر توسعه شهرها تأثیر می‌گذارند. اقتصاد سیاسی شهری بررسی می‌کند که چگونه این نهادها و فرآیندهای سیاسی بر توزیع منابع و قدرت در فضاهای شهری تأثیر دارند. به عنوان مثال، تصمیمات مربوط به برنامه‌ریزی شهری، سیاست‌های زمین و تخصیص بودجه، نقش کلیدی در تعیین اینکه چه کسی به منابع شهری دسترسی دارد، بازی می‌کنند.

سرمایه‌گذاری و توسعه اقتصادی: سرمایه‌گذاری عمومی و خصوصی در شهرها یکی از عوامل مهم در توسعه شهری است. پروژه‌های بزرگ زیرساختی مانند ساخت بزرگراه‌ها، پارک‌ها، یا مناطق تجاری، به شکل‌گیری الگوهای جدید رشد اقتصادی و اجتماعی منجر می‌شوند. اما این سرمایه‌گذاری‌ها ممکن است موجب تشدید نابرابری‌های فضایی و اقتصادی در شهرها شوند، به‌ویژه زمانی که منابع بیشتر به بخش‌های مرفه‌تر جامعه اختصاص یابد.

نابرابری فضایی و اجتماعی: یکی از مسائل مهم در اقتصاد سیاسی شهری، توزیع نابرابر منابع و خدمات در مناطق مختلف شهر است. این نابرابری‌ها می‌توانند در دسترسی به مسکن، حمل‌ونقل عمومی، آموزش، و خدمات بهداشتی مشهود باشند. سیاست‌های اقتصادی و تصمیمات مرتبط با توسعه شهری می‌توانند به شدت بر این نابرابری‌ها تأثیرگذار باشند و باعث تقویت یا کاهش آن شوند.

نقش نهادهای خصوصی و عمومی: تعامل بین نهادهای دولتی و بخش خصوصی یکی دیگر از ابعاد مهم اقتصاد سیاسی شهر است. مشارکت بخش خصوصی در توسعه شهری می‌تواند به رشد اقتصادی کمک کند، اما اگر این مشارکت به‌طور مناسب مدیریت نشود، ممکن است منجر به خصوصی‌سازی فضاهای عمومی و خدمات شهری و در نهایت افزایش نابرابری‌ها شود.

جهانی‌سازی و اقتصاد نئولیبرال: جهانی‌سازی و سیاست‌های نئولیبرال نقش مهمی در تغییر ساختارهای اقتصادی شهرها دارند. این تحولات منجر به خصوصی‌سازی خدمات عمومی، کاهش مداخلات دولت در اقتصاد شهری، و افزایش رقابت بین شهرها برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی شده است. این روندها اغلب منجر به نابرابری‌های بیشتر در دسترسی به منابع و فرصت‌ها در مناطق مختلف شهرها می‌شود.

تئوری‌های پیرامون اقتصاد سیاسی شهر

اقتصاد سیاسی شهر به عنوان شاخه‌ای از مطالعات شهری، از نظریات و تئوری‌های متعددی در زمینه‌های مختلف سیاست، اقتصاد و جامعه بهره می‌برد. این نظریات کمک می‌کنند تا فهم بهتری از نیروهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که در شکل‌گیری و مدیریت شهرها نقش دارند، به دست آید. در ادامه برخی از مهم‌ترین تئوری‌های مرتبط با اقتصاد سیاسی شهر را مرور می‌کنیم:

۱. تئوری مارکسیستی شهر

این تئوری بر پایه آموزه‌های کارل مارکس و نظریات مرتبط با سرمایه‌داری استوار است. از دیدگاه مارکسیستی، شهرها بسترهایی هستند که در آن‌ها نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی به وضوح مشاهده می‌شوند. مارکس بر این باور بود که شهرها مکان‌هایی برای انباشت سرمایه و کارگران هستند که در آن‌ها طبقه حاکم از طریق کنترل بر ابزارهای تولید و مالکیت زمین، قدرت اقتصادی و سیاسی خود را حفظ می‌کند. در این تئوری، فرایندهای شهری به عنوان بازتابی از تضادهای طبقاتی دیده می‌شوند و تمرکز آن بر توزیع نابرابر ثروت، مسکن، و زیرساخت‌های شهری است.

۲. تئوری نئولیبرالیسم شهری

این تئوری بر مبنای تغییرات اقتصادی و سیاسی است که از دهه ۱۹۸۰ به بعد و تحت تأثیر سیاست‌های نئولیبرالی در بسیاری از کشورها رخ داده است. نئولیبرالیسم شهری به خصوصی‌سازی فضاهای عمومی، کاهش دخالت دولت در امور اقتصادی، و انتقال مسئولیت‌ها به بخش خصوصی تأکید دارد. این رویکرد در شهرها به معنای کاهش نقش دولت در ارائه خدمات عمومی مانند مسکن، بهداشت و حمل‌ونقل و تمرکز بیشتر بر کارآیی بازار است.

۳. تئوری شهر کارآفرینانه (Entrepreneurial city)

این تئوری توسط دیوید هاروی و دیگر نظریه‌پردازان برای توضیح نحوه تغییر نقش دولت‌های شهری در دوره نئولیبرالیسم ارائه شده است. بر اساس این تئوری، دولت‌های شهری به جای مدیریت مستقیم منابع و خدمات، نقش تسهیل‌کننده را برای بخش خصوصی ایفا می‌کنند. آن‌ها به دنبال جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی، توسعه پروژه‌های زیرساختی بزرگ و رقابت با دیگر شهرها برای جذب سرمایه هستند. در این مدل، دولت شهری به مثابه یک کارآفرین عمل می‌کند که تلاش دارد تا شهر را به یک محصول قابل فروش تبدیل کند.

۴. تئوری حق به شهر (Right to the city)

این تئوری توسط هانری لوفور، فیلسوف و جامعه‌شناس فرانسوی، معرفی شد. طبق این تئوری، حق به شهر به معنای حق همه شهروندان، به ویژه اقشار فرودست، برای دسترسی به فضاهای شهری، منابع عمومی و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مربوط به شهر است. لوفور بر این باور بود که فضاهای شهری تحت تسلط نیروهای سرمایه‌داری تبدیل به مکان‌هایی برای سودآوری و بهره‌کشی می‌شوند و باید بازپس‌گیری این فضاها توسط مردم، به عنوان یک حق اساسی، دنبال شود.

۵. تئوری اکولوژی شهری (Urban Ecology Theory)

این تئوری بر اساس مطالعات اولیه‌ای که توسط رابرت پارک و دیگر جامعه‌شناسان مکتب شیکاگو انجام شد، شکل گرفته است. اکولوژی شهری به مطالعه نحوه تعامل بین گروه‌های اجتماعی مختلف و محیط شهری می‌پردازد. این تئوری بر این نکته تأکید دارد که فضاهای شهری به صورت رقابتی بین گروه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تقسیم می‌شوند و نیروهای بازار و اقتصاد، تعیین‌کننده الگوهای سکونت، دسترسی به خدمات و توزیع قدرت در شهر هستند.

اقتصاد سیاسی و شهرداری‌ها (نمونه‌ها)

در ادامه، چند نمونه از تعامل اقتصاد سیاسی و شهرداری‌ها در شهرهای مختلف جهان آورده شده است:

۱. پروژه‌های عمرانی در تهران

در تهران، ساخت و ساز پروژه‌های بزرگ عمرانی و تجاری مانند برج میلاد مجتمع‌های تجاری بزرگ (مال‌ها) و پروژه‌های بزرگ نظیر نواب نمونه‌ای از تأثیر اقتصاد سیاسی بر شهرداری‌ها است. تصمیمات مربوط به این پروژه‌ها معمولاً تحت تأثیر فشارهای اقتصادی گروه‌های توسعه‌دهنده و شرکت‌های بزرگ صورت می‌گیرد. این پروژه‌ها، در حالی که ممکن است درآمدی برای شهرداری ایجاد کنند، غالباً به نفع گروه‌های خاصی است که از این توسعه‌های کلان سود می‌برند، در حالی که بسیاری از ساکنان محلی به دلیل افزایش قیمت زمین و جابجایی‌های جمعیتی از این تصمیمات آسیب می‌بینند.

۲. بمبئی و مسئله مسکن

در بمبئی، تصمیمات شهرداری‌ها در زمینه توسعه شهری و نوسازی بخش‌های قدیمی شهر، تأثیرات عمیقی بر جمعیت فقیر این شهر داشته است. بسیاری از ساکنان زاغه‌نشین به دلیل پروژه‌های توسعه‌ای که برای ساخت مجتمع‌های مسکونی و تجاری در نظر گرفته شده‌اند، مجبور به ترک خانه‌های خود شده‌اند. در اینجا، اقتصاد سیاسی به این معناست که منافع اقتصادی توسعه‌دهندگان و نخبگان اقتصادی بر سیاست‌های شهری تأثیر می‌گذارد، در حالی که جوامع کم‌درآمد به حاشیه رانده می‌شوند.

۳. جنبش مسکن در برلین

در برلین، فشارهای ناشی از افزایش قیمت مسکن و اجاره‌ها باعث شده است که گروه‌های اجتماعی مختلف به اعتراض بپردازند و سیاست‌های شهرداری را تحت فشار قرار دهند. شهرداری برلین به دلیل سیاست‌هایی که به نفع سرمایه‌گذاران خارجی و شرکت‌های بزرگ املاک بوده، مورد انتقاد قرار گرفته است. این شرکت‌ها، با خریداری و نوسازی آپارتمان‌ها و افزایش اجاره‌ها، به بحران مسکن در شهر دامن زده‌اند. در واکنش به این وضعیت، شهرداری برلین اخیراً تصمیم به بازپس‌گیری برخی از این املاک و ایجاد سیاست‌هایی برای کاهش اجاره‌ها گرفته است. این مثال نشان می‌دهد که چگونه فشار اجتماعی و اقتصادی می‌تواند سیاست‌های شهرداری را تغییر دهد و تعادل قدرت میان منافع مختلف را تحت تأثیر قرار دهد.

۴. بارسلونا و سیاست‌های عدالت اجتماعی

در شهر بارسلونا، شهرداری تحت رهبری احزاب چپ‌گرا تلاش کرده است سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی خود را به نفع عدالت اجتماعی تغییر دهد. یکی از این سیاست‌ها، مقابله با شرکت‌های بزرگ اجاره کوتاه‌مدت مانند Airbnb است که باعث افزایش قیمت مسکن در مناطق توریستی شده‌اند. شهرداری با وضع مقررات سخت‌گیرانه علیه این شرکت‌ها و

محدود کردن اجاره کوتاه‌مدت، تلاش می‌کند تا منافع ساکنان محلی را تأمین کند. این تصمیمات نمونه‌ای از تأثیر سیاست‌های عدالت‌محور بر مدیریت شهری و نحوه توزیع منابع و قدرت است.

۵. ریودوژانیرو و میزبانی رویدادهای جهانی

در ریودوژانیرو، تصمیمات شهرداری برای میزبانی رویدادهای جهانی مانند المپیک ۲۰۱۶ و جام جهانی فوتبال ۲۰۱۴، نمونه‌ای دیگر از تأثیر اقتصاد سیاسی بر تصمیم‌گیری‌های شهری است. در این رویدادها، میلیاردها دلار صرف توسعه زیرساخت‌ها و ساخت استادیوم‌های جدید شد. با این حال، بسیاری از مناطق فقیرنشین شهر تخریب شدند و ساکنان محلی مجبور به ترک خانه‌های خود شدند تا فضا برای پروژه‌های لوکس فراهم شود. در اینجا، منافع سیاسی و اقتصادی نخبگان و شرکت‌های بزرگ بر تصمیمات شهرداری اولویت داشت، در حالی که طبقات پایین‌تر جامعه به حاشیه رانده شدند.

۶. مسئله زباله در شهر ناپل

ناپل، در جنوب ایتالیا، با بحران زباله‌های شهری مواجه شده است که ناشی از تعاملات پیچیده اقتصاد سیاسی محلی است. در این شهر، مافیای محلی (کامورا) به واسطه قراردادهای فاسد با شهرداری و کنترل سیستم مدیریت زباله، به تخریب محیط زیست و تضعیف کیفیت خدمات عمومی منجر شده است. این بحران نشان می‌دهد که چگونه فساد و روابط قدرت نادرست میان نهادهای اقتصادی و سیاسی می‌تواند مدیریت شهری را به شدت تحت تأثیر قرار دهد.

۷. سان‌فرانسیسکو و مسکن

در سان‌فرانسیسکو، افزایش قیمت مسکن به دلیل رشد فناوری و حضور شرکت‌های بزرگ مانند گوگل و فیسبوک، باعث ایجاد تنش‌های اجتماعی شده است. سیاست‌های شهرداری در زمینه کنترل اجاره‌ها و توسعه مسکن اجتماعی تحت فشار نخبگان اقتصادی و سرمایه‌گذاران تغییر کرده و بسیاری از ساکنان محلی به حاشیه رانده شده‌اند.

۸. دیترویت و بازسازی شهری

دیترویت با بحران اقتصادی و تخلیه جمعیت مواجه بوده است. در تلاش برای بازسازی، شهرداری تصمیم به فروش املاک عمومی و جذب سرمایه‌گذاری خصوصی گرفت. این تصمیمات باعث بروز انتقادات زیادی از نابرابری‌ها شد، زیرا بیشتر این پروژه‌ها به نفع سرمایه‌گذاران بزرگ و گروه‌های خاص انجام شد، در حالی که بسیاری از ساکنان کم‌درآمد از فرصت‌های اقتصادی محروم ماندند.

۹. آمستردام و گردشگری

در آمستردام، افزایش گردشگری باعث تحولات اقتصادی شده، اما مشکلاتی نظیر افزایش قیمت‌ها و جابه‌جایی ساکنان محلی نیز به وجود آورده است. شهرداری با وضع محدودیت‌هایی بر اجاره‌های کوتاه‌مدت (مانند Airbnb) سعی دارد از تخلیه ساکنان و نابرابری‌های اجتماعی جلوگیری کند، اما این تصمیمات با مخالفت سرمایه‌گذاران و صنعت گردشگری روبه‌رو شده است.

۱۰. بغداد و بحران خدمات عمومی

در بغداد، فساد و ناکارآمدی در مدیریت شهری باعث شده خدمات عمومی مانند آب، برق و بهداشت به شدت تحت تأثیر قرار گیرند. تصمیمات سیاسی تحت تأثیر گروه‌های مختلف قدرت، از جمله گروه‌های شبه‌نظامی و احزاب سیاسی، باعث شده که منابع به طور ناعادلانه توزیع شود و بسیاری از ساکنان از خدمات پایه‌ای محروم بمانند.

پیشنهاداتی جهت مدیریت بهتر اقتصاد سیاسی در شهرها

با اجرای سیاست های پیشنهادی ذیل شهرداری ها می توانند ضمن بهبود عملکرد شهرداری ها در حوزه اقتصاد سیاسی، جهت مدیریت بهتر موضوع اقتصاد سیاسی نیز اقدام نمایند.

تقویت شفافیت و پاسخگویی: شهرداری ها باید با ایجاد پلتفرم های شفاف و قابل دسترس برای اطلاع رسانی درباره بودجه، پروژه ها و تصمیمات، اعتماد عمومی را افزایش دهند. این امر می تواند شامل انتشار منظم گزارش های مالی و جلسات عمومی باشد.

تشکیل نهادهای مشورتی: ایجاد نهادهای مشورتی متشکل از نمایندگان جامعه، متخصصان و فعالان مدنی به شهرداری ها کمک می کند تا نظرات و نیازهای مختلف اقشار جامعه را در فرآیندهای تصمیم گیری لحاظ کنند.

توسعه سیاست های عدالت اجتماعی: شهرداری ها باید سیاست های اجتماعی و اقتصادی را طراحی کنند که بر کاهش نابرابری ها تمرکز داشته باشد. این شامل تأمین مسکن مناسب، خدمات بهداشتی و آموزشی برای اقشار کم درآمد است.

تقویت مشارکت شهروندان: تشویق شهروندان به مشارکت فعال در فرآیندهای برنامه ریزی و تصمیم گیری، از طریق برگزاری جلسات عمومی، کارگاه های آموزشی و استفاده از نظرسنجی ها می تواند به بهبود تصمیمات کمک کند.

توسعه همکاری های عمومی-خصوصی: ایجاد همکاری های مؤثر با بخش خصوصی برای تأمین مالی پروژه های زیرساختی و خدمات عمومی می تواند به بهینه سازی منابع و افزایش کارایی کمک کند. این همکاری ها باید تحت نظارت دقیق و شفافیت کامل باشند.

توجه به پایداری زیست محیطی: شهرداری ها باید در برنامه ریزی های خود به مسایل زیست محیطی توجه داشته باشند و پروژه هایی را که باعث کاهش اثرات منفی بر محیط زیست می شود، اولویت دهند.

تقویت ظرفیت سازی محلی: برگزاری دوره های آموزشی برای کارکنان شهرداری و شهروندان در زمینه های مدیریت شهری، اقتصاد و سیاست گذاری می تواند به افزایش ظرفیت و توانایی های محلی کمک کند.

تحلیل داده ها و پژوهش: استفاده از داده ها و پژوهش های علمی برای تصمیم گیری های استراتژیک و ارزیابی تأثیرات سیاست ها می تواند به بهبود کارایی و اثرگذاری سیاست های شهری کمک کند.

ایجاد مشوق های اقتصادی برای سرمایه گذاران محلی: فراهم کردن مشوق های مالی و غیرمالی برای سرمایه گذاران محلی و کسب و کارهای کوچک می تواند به توسعه اقتصادی پایدار و ایجاد شغل های جدید کمک کند.

پایش و ارزیابی مستمر سیاست ها: شهرداری ها باید یک سیستم پایش و ارزیابی برای بررسی تأثیر سیاست ها و برنامه های خود ایجاد کنند تا بتوانند به موقع به مشکلات پاسخ دهند و سیاست های خود را بهبود بخشند.

برقراری همکاری های بین المللی: ایجاد ارتباط با شهرها و نهادهای بین المللی می تواند به تبادل تجربیات و بهبود شیوه های مدیریتی کمک کند و فرصت های جدیدی برای توسعه ایجاد کند.

توسعه زیرساخت های دیجیتال: سرمایه گذاری در زیرساخت های دیجیتال و دسترسی به اینترنت پرسرعت می تواند به بهبود خدمات عمومی، آموزش و فرصت های اقتصادی برای تمامی ساکنان کمک کند.

ایجاد مراکز نوآوری محلی: تأسیس مراکز نوآوری و کارآفرینی می تواند به ترویج ایده های نو و کسب و کارهای محلی کمک کند و فرصت های شغلی جدیدی ایجاد کند.

ایجاد سیستم‌های بازخورد و شکایت: طراحی سیستم‌های کارآمد برای دریافت بازخورد و شکایات شهروندان می‌تواند به بهبود خدمات و پاسخگویی بهتر کمک کند. استفاده از اپلیکیشن‌ها و پلتفرم‌های آنلاین برای این منظور می‌تواند مؤثر باشد.

نتیجه‌گیری

دنایای امروزی، تحلیل اقتصاد سیاسی شهر به یکی از ضروری‌ترین ابزارها برای درک و تبیین چالش‌های مدیریت شهری و توزیع منابع تبدیل شده است. این تحلیل به ما کمک می‌کند تا بفهمیم چگونه تصمیمات سیاسی، سیاست‌های اقتصادی و منافع اجتماعی با یکدیگر تعامل دارند و چگونه این تعاملات بر کیفیت زندگی شهروندان تأثیر می‌گذارد. شهرها به عنوان مراکز اصلی تجمع جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی، همواره در معرض فشارهای ناشی از تقاضاهای مختلف قرار دارند. این فشارها می‌تواند ناشی از رشد جمعیت، توسعه اقتصادی، نیاز به خدمات عمومی و زیرساخت‌ها، و چالش‌های زیست‌محیطی باشد. در این راستا، نهادهای شهری باید تصمیمات هوشمندانه و عادلانه‌ای اتخاذ کنند تا بتوانند به این نیازها پاسخ دهند. با این حال، واقعیت‌های موجود نشان می‌دهد که تصمیمات معمولاً تحت تأثیر منافع خاص گروه‌های ذی‌نفع، نخبگان سیاسی و اقتصادی قرار می‌گیرد. یکی از چالش‌های کلیدی در اقتصاد سیاسی شهری، نابرابری در توزیع منابع است. بسیاری از سیاست‌ها به نفع گروه‌های ثروتمند و سرمایه‌گذاران بزرگ طراحی می‌شود، در حالی که اقشار کم‌درآمد و ساکنان محلی اغلب از این روندها به حاشیه رانده می‌شوند. این نابرابری نه تنها منجر به نارضایتی اجتماعی و بحران‌های اقتصادی می‌شود، بلکه تهدیدی برای همبستگی اجتماعی و پایداری شهری است. از سوی دیگر، افزایش آگاهی و مشارکت شهروندان در فرآیندهای تصمیم‌گیری می‌تواند به تقویت دموکراسی محلی و کاهش نابرابری‌ها کمک کند. جنبش‌های اجتماعی و اعتراضات محلی می‌توانند نقش مؤثری در فشار بر نهادهای شهری برای اتخاذ سیاست‌های عادلانه و پاسخگو ایفا کنند. به این ترتیب، ایجاد یک بستر مناسب برای گفت‌وگو و تعامل میان شهروندان، نهادهای دولتی و بخش خصوصی از اهمیت بالایی برخوردار است. در نهایت، اقتصاد سیاسی شهری نیازمند رویکردی جامع و چندجانبه است که به تمامی ابعاد اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی توجه کند. برای موفقیت در مدیریت شهری و تحقق توسعه پایدار، باید به بررسی دقیق و عمیق تعاملات میان نهادها، منافع و گروه‌های اجتماعی پرداخته شود. در این مسیر، استفاده از داده‌ها و تحلیل‌های علمی می‌تواند به تصمیم‌گیری‌های بهتر و کارآمدتر کمک کند و به تأمین رفاه شهروندان و توسعه پایدار شهرها منجر شود. این تلاش‌ها نه تنها برای بهبود شرایط کنونی بلکه برای ساخت آینده‌ای پایدار و عادلانه برای تمامی ساکنان شهری ضروری است.

منابع و مآخذ

- ۱- نسبت اقتصاد سیاسی نارکو تیک و امنیت در استان سیستان و بلوچستان، شهر روز شریعتی، ۱۴۰۳
- ۲- شناسایی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تغییر کارکردهای اجتماعی فضاهای شهری با تأکید بر اقتصاد سیاسی و طرح‌های توسعه، آرش ثقفی اصل، ۱۴۰۳
- ۳- بررسی بازتاب‌های اقتصاد سیاسی بر فضاهای جغرافیایی، مطالعه موردی: شهر ارومیه، همایون عبدی، ۱۴۰۲
- ۴- درآمدی بر اقتصاد سیاسی، رزا لوزامبورگ، آرش جلال منش، ۱۴۰۱
- ۵- مدیریت تأمین مالی شهر و اقتصاد سیاسی شهری جدید (مطالعه موردی: کلانشهر مشهد)، غلامرضا کاظمیان، ۱۴۰۰
- ۶- برهمکنش فرایندهای تاریخی و اقتصاد سیاسی شهر مطالعه موردی: نظام شهری ایران پس از انقلاب مشروطه، زهرا احمدی و احسان لشکری، ۱۳۹۱
- ۷- اقتصاد سیاسی شهرها، زهرا نژادبهرام، روزنامه آرمان امروز، شناسه خبر: ۳۰۸۴۵
- ۸- اقتصاد سیاسی و مدیریت یکپارچه حریم منطقه کلان‌شهری تهران، رحیم سرور و بهروز درویش، ۱۴۰۰
- ۹- اقتصاد سیاسی شهری، دانشنامه اقتصاد
- ۱۰- تغییرات کاربری زمین شهری و اقتصاد سیاسی فضا: ارائه مدل مفهومی - تلفیقی، کاظم برهانی و مجتبی رفیعیان، ۱۳۹۶
- ۱۱- اقتصاد سیاسی با نگرشی دیگر، علی ماجدی، روزنامه اعتماد، شماره ۵۸۷۷
- ۱۲- سه تضاد تاریخی ایران، مصاحبه احمد غلامی با سعید لیلان، روزنامه شرق، شماره ۲۲ آذر ۱۴۰۱

با توجه به هزینه‌های زیست محیطی استفاده از کاغذ، اسناد مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی فقط در قالب الکترونیک منتشر می‌شوند. متن کلیه اسناد، گزارش‌ها و طرح‌های پژوهشی تهیه شده در مرکز در وبگاه مرکز به نشانی: rctbz.tabriz.ir قابل دسترسی است. همچنین این متن‌ها در پرتال جامع مطالعات شهری ایران به آدرس icpus.tehran.ir بارگذاری شده است. لطفاً شما هم با چاپ نکردن این متن‌ها ما را در این زمینه یاری کنید.

نظر رسمی	اظهارنظر رسمی مرکز در موارد ارجاعی از طرف شورای اسلامی شهر یا شهرداری تبریز
دیدگاه	دیدگاه مرکز در موارد جاری شهری و نقد عملکرد و فعالیت‌های شهرداری و سایر دستگاه‌های اجرایی
گزارش تخصصی	گزارش تخصصی مستخرج از کمیته‌ها، گروه‌های کانونی یا نشست‌ها
انتقال دانش	ارسال مطالب گزیده شده یا چکیده مطالب و گزارش‌های سایر مراکز پژوهشی یا نشست‌های خارج از مرکز
یادداشت	اظهارنظر کارشناسی توسط افراد خبره که لزوماً مورد تأیید مرکز نیست
انعکاس	تبیین پیشنهاد، انتظار یا مطالبه کارشناسی یا مردمی
خلاصه مدیریت	خلاصه مدیریتی طرح‌های مطالعاتی انجام شده در مرکز
افکارسنجی	گزارش مستخرج از افکارسنجی عمومی یا موردی
تجربه مدیریت	گزارش تجربیات حوزه مدیریت شهری سایر شهرهای داخل و خارج کشور یا گزارش تجربه‌نگاری مدیریت شهری
پرسمان	بیان مسئله یا طرح سؤالاتی در خصوص مسائل جاری شهر از مدیریت شهری و درخواست پاسخگویی
شناخت شهر	گزارش شناخت وضع موجود در قالب متن نقشه یا اینفوگرافی
اسناد مرکز	آیین‌نامه‌ها، فرم‌ها، دفترچه‌های راهنما و سایر مستندات مربوط به شیوه فعالیت مرکز

دنیای امروزی، تحلیل اقتصاد سیاسی شهر به یکی از ضروری‌ترین ابزارها برای درک و تبیین چالش‌های مدیریت شهری و توزیع منابع تبدیل شده است. این تحلیل به ما کمک می‌کند تا بفهمیم چگونه تصمیمات سیاسی، سیاست‌های اقتصادی و منافع اجتماعی با یکدیگر تعامل دارند و چگونه این تعاملات بر کیفیت زندگی شهروندان تأثیر می‌گذارد. شهرها به عنوان مراکز اصلی تجمع جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی، همواره در معرض فشارهای ناشی از تقاضاهای مختلف قرار دارند. این فشارها می‌تواند ناشی از رشد جمعیت، توسعه اقتصادی، نیاز به خدمات عمومی و زیرساخت‌ها، و چالش‌های زیست‌محیطی باشد. در این راستا، نهادهای شهری باید تصمیمات هوشمندانه و عادلانه‌ای اتخاذ کنند تا بتوانند به این نیازها پاسخ دهند. با این حال، واقعیت‌های موجود نشان می‌دهد که تصمیمات معمولاً تحت تأثیر منافع خاص گروه‌های ذی‌نفع، نخبگان سیاسی و اقتصادی قرار می‌گیرد.

